

Comparison of the Type of Women's Clothing in the Ottoman Government and Women in the Qajar government

Samaneh Asgari*

Abstract

Hijab is one of the topics that varies according to the geography and culture of each region. This issue has not only been affected by geography, but also by factors such as religion. Among the periods discussed among historians are the periods of the Qajar rule in Iran and the period of the fall of the Ottoman Empire in Anatolia. Women in these governments have been an integral part of society. With the advent of Islam and its acceptance by the Turks and Iranians, Islamic-Arab customs and traditions have been seen in the governments formed in Iran and Anatolia. The rules of Islam have been seen in every field, especially women's clothing. With the rise of the ideology of modernism in the world in the 18th century, the Ottoman and Qajar governments were not unaffected. Women's clothing was one of the things that changed. How women dressed in the Ottoman and Qajar rule is one of the issues that have been studied. This research seeks to answer questions such as the type of women's clothing in the mentioned periods and the answer to the extent of the influence and influence of these governments from other new cultures that emerged after the 1789 French Revolution in the world. In addition to the use of library resources, the resources of the National Archives of the President of Turkey in Istanbul have also been used to investigate this issue.

Keywords: Ottoman, Qajar, Women And Type Of Clothing, Islam, Travelogue

* Phd, Dokuz eylul, samaneaskari1365@gmail.com

Date received: 07/10/2024, Date of acceptance: 21/01/2025





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقایسه نوع پوشش زنان در حکومت عثمانی و زنان در حکومت قاجار

سمانه عسگری*

چکیده

طرز پوشش از جمله موضوعاتی است که بنا به جغرافیا و فرهنگ هر منطقه ای تغییر می کند. این موضوع تنها تحت تاثیر جغرافیا قرار نگرفته است عواملی از جمله دین نیز بر نحوه پوشش تاثیرگذار بوده است. از جمله دوره های مورد بحث در بین تاریخ نگاران دوره های حکومت قاجار در ایران و دوره سقوط امپراتوری عثمانی در آناتولی می باشد. زنان در حکومت های یاد شده جزئی جدایی ناپذیری از جامعه بوده اند. با روی کار آمدن اسلام و پذیرش آن توسط ترک ها و ایرانی ها آداب و سنت های اسلامی-عربی در حکومت های شکل گرفته شده در ایران و آناتولی دیده شده است. احکام اسلام در هر زمینه ای به خصوص پوشش زنان دیده شده است. با روی کار آمدن ایدئولوژی مدرنیسم در جهان در قرن ۱۸، حکومت های عثمانی و قاجار نیز بی تاثیر از آن باقی نماندند. پوشش زنان از جمله مواردی بود که رو به تغییر نهاد. نحوه پوشش زنان در حکومت عثمانی و قاجار از جمله موضوعاتی است که مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالاتی از جمله نوع پوشش زنان در دوره های یاد شده و پاسخ به میزان تاثیر گذاری و تاثیرپذیری این حکومت ها از سایر فرهنگ های جدیدی بوده است که در پی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه در جهان به وجود آمده است. برای بررسی این موضوع در کنار استفاده از منابع کتابخانه ای، از منابع آرشیو ملی رئیس جمهوری ترکیه در استانبول نیز استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: عثمانی، قاجار، زنان و نوع پوشش، اسلام، سیاحتنامه

* دکترای تخصصی، دانشگاه دکوز ایلول ازمیر، samaneaskari1365@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲



۱. مقدمه

با توجه به شرایط جغرافیایی انسان ها برای محافظت خود در برابر نورخورشید، باد، باران و ... پوشش های مختلفی را برای خود انتخاب کرده اند. شرایط جغرافیایی ایران و تفاوت اقلیمی از شمال تا جنوب و غرب تا شرق باعث تنوع پوشش در بین مردم گردیده بود. برای مثال مردم ساکن بخش مرکزی به دلیل وجود کویر مجبور به پوشش صورت خود در برخی از فصل ها می باشند. دلیل این انتخاب حفظ سلامت خود و ادامه زندگی در رویارویی با هوای خشک و طوفان های شن می باشد. افراد ساکن در کویرها تقریباً از پوشش های یکسانی استفاده می کردند. پوششی که عرب ها بنا به شرایط جغرافیایی انتخاب کرده بودند نیز مجزا از این دلیل نبوده است. با قبول اسلام توسط عرب ها بسیاری از آداب و رسوم بدون هیچ گزیزی وارد این دین گردیده است. از جمله این موارد باید به نوع حجاب اشاره کرد. در قرآن به حجاب اشاره شده است ولیکن در خصوص جزئیات آن مطالبی که بیان می شود بیشتر نظر مفسران بوده است. تفاوت در نوع حجاب بحث اجباری و اختیای بودن حجاب در دین و مواردی از این قبیل از جمله موضوعات مورد بحث و جدل تا زمان حال بوده است. بعد از انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ زنان در کنار حقوق اجتماعی به حقوق سیاسی خود نیز توجه کردند. این فقط مخصوص زنان فرانسوی نبود. مدرنیسم مورد توجه دیگر حکومت ها نیز قرار گرفت. حکومت عثمانی و حکومت قاجار نیز بی تاثیر از این موضوع قرار نگرفتند. اولین موضوعی که مورد توجه آنان قرار گرفتند به روزرسانی سپاهیان بوده است. نوع لباس و یونیفرم اروپایی از جمله موضوعاتی بود که مورد توجه قرار گرفته شد. ارتباط با اروپاییان سبب تغییر تفکر زنان در این دو حکومت نیز قرار گرفته است. این موضوع در پایان نامه دکتری نویسنده به آن پرداخته شد (Asgari, 2022). هم قوانین اسلام و هم مدرنیسم اروپایی تاثیر مستقیمی بر فرهنگ حکومت های قاجار و عثمانی داشته است. یکی از مهم ترین مواردی که تحت تاثیر مدرنیسم قرار گرفت، نوع پوشش موجود در بین مردم این دو حکومت بوده است.

۲. روش تحقیق

در خصوص نحوه پوشش زنان در ایران زمان قاجار و زنان ساکن در آناتولی اطلاعات ما بیشتر بر پایه سیاحتنامه هایی است که توسط خارجی ها نوشته شده اند. نوشته های آنها در خصوص پوشش زنان در این محدوده های جغرافیایی بیشتر در خصوص زنانی بوده است که آن ها در کوچه و بازار می دیده اند. در خصوص لباس زنان در حرمسرا و به طور کلی در پستوی خانه

ها برحسب شنیده های آن ها بوده است. در سال های اخیر توجه به موضوع زنان در ایران و ترکیه سبب جمع آوری شدن اطلاعات مفیدی در این خصوص شده است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش تحقیق کتابخانه ای و آرشیوی بررسی مختصری در خصوص نحوه پوشش زنان در آناتولی و ایران ارائه داده شود.

۳. نوع پوشش زنان عثمانی و نحوه تغییر آن

ترک ها به مانند هر قوم دیگری رسوم و آداب خاص خود را داشته اند. برخی از رنگ ها و لباس ها در طول تاریخ مورد توجه ترک ها قرار گرفته است. به عنوان مثال، رنگهای تیره در بین بسیاری از ترکان به عنوان رنگ عزاداری شناخته می شدند (Nurullah, 2009: 173). تا زمان پذیرش اسلام توسط ترک ها، رنگ این لباس ها و حتی نوع لباس ها با دوره بعد از پذیرش اسلام متفاوت بود. یکی از مهمترین تغییراتی که با پذیرش اسلام توسط ترکها ایجاد شد، تغییر پوشش زنان بود (Karabıyık Barbarosoğlu, 2003: 197). در دوره عثمانی، سبک لباس زنانه و مردانه مانند دوره های گذشته متفاوت بود. این تفاوت ها در لباس زنان هم در خانه و هم در بیرون خانه مشهود بود. "در آناتولی، هنگامی که زنی به بیرون از خانه می رفت در کنار لباس هایی که پوشیده بود یک لباس دیگر مانند کت یا روپوش به همراه داشت. این لباس بسته به شرایط آب و هوایی تغییر می کرد و بیشتر برای پوشاندن سر و صورت مورد استفاده قرار می گرفت. البته قوانین حجاب اسلامی در اینجا تأثیر بسزایی داشت. رایج ترین لباس بیرونی عبا و نقاب بوده است" (Abalı, 2009: 184). البته لباس هایی که زنان و مردان از آن استفاده می کردند نام های یکسانی داشتند. تفاوت آن ها در رنگ و سبک لباس بود (Karabıyık Barbarosoğlu, 2002: 100). عامل دیگری که باعث تغییر در نوع لباس می شد، دین بود. به طور کلی، هر ایدئولوژی مد خاص خود را داشت. به عنوان مثال، "در رنگهای عبا نیز تفاوت ها به چشم می رسید، مسلمانان از رنگهایی مانند قرمز، آبی، سبز (سبز تیره) و غیرمسلمانان از عبا هایی با رنگ روشن استفاده می کردند" (Abalı, 2009: 183). رنگ یک لباس بسته به فرهنگ های موجود در جامعه تغییر می کرده است. مثلاً در هنگام عزا از رنگ های تیره و در زمان جشن و سرور از لباس هایی با رنگ روشن استفاده می شده است. لازم به ذکر است که سبک لباس پوشیدن در امپراتوری عثمانی با توجه به دین تغییر کرد. این موضوع فقط مخصوص مردان مسلمان نبود. زنان مسلمان همچنین لباس های متفاوتی از زنان سایر ادیان داشتند. در دوره محمود دوم، عبا ی زنان مسلمان از رنگ های زرد، صورتی یا مشابه تشکیل شده بود. این

در سال ۱۸۱۹ به عنوان یک حکم به زنان اعلام شد (Karabıyık Barbarosoğlu, 2002: 127). بعلاوه، لباسهای سبک اروپایی به عنوان یکی از نشانه های فرهنگی اروپاییان با فرمان تنظیمات وارد سرزمینهای عثمانی شدند. در دوره محمود دوم، زنان شروع به پوشیدن چادر به جای عبا کردند (Doğan, 2012: 43). البته گفته می شود که اولین تأثیر مد اروپا در لباس نظامیان و سپس در سایر اقشار جامعه دیده شده است (Toprak, 2014: 252-3). در زمان عبدالحمید دوم، تغییرات بیشتری در زمینه نوع پوشش ایجاد شد. مد رایج در کشور فرانسه، بیشترین تأثیر را در پوشش عثمانی داشته است (Karabıyık Barbarosoğlu, 2002: 118). برای مثال "در کتاب دده کورکوت از عروسی بحث می شود که لباس سفیدی بر تن داشته است. در نوع لباس عروس و رنگ آن تفاوت های چندانی وجود نداشته است. اولین لباس عروس سفید که به سبک اروپایی دوخته شد توسط نائله سلطان، دختر سلطان عبد الحمید دوم استفاده شده است" (Karabıyık Barbarosoğlu, 2002: 105). در زمان سلطان عبدالحمید دوم برخی از مردان چادر پوشیده و شروع به دزدی و کارهای نامناسب کرده اند. علاوه بر این برخی از مردان چادر پوشیده و برای ورود به سرا تلاش کرده اند. سلطان عبد الحمید که متوجه این موضوع شده بود "در تاریخ ۴ رمضان ۱۳۰۹ زنان مسلمانی که چادر سیاه و یا نقاب های سیاه می پوشیدند را به مانند مسیحیانی دانسته که عزادار هستند..." (Kurnaz, Şefika 1992: 57) و با این بهانه چادر پوشیدن را ممنوع کرده است. در فرهنگ مسلمانان آن زمان تبعیت از سایر دین ها خوشایند نبوده است و سلطان که به این موضوع آگاه بوده است برای مقابله با طرز پوشش در جامعه از این ترفند برای منع پوشش موجود در جامعه استفاده کرده است. علاوه بر تأثیر غرب بر عثمانی، جنگ های بین عثمانی، قفقاز و بالکان نیز سبب ورود سبک های جدیدی از لباس به امپراتوری عثمانی شد. ورود زنان مهاجر به سرزمین های عثمانی به معنای آوردن مدهای جدید لباس و فرهنگ و آداب دیگر مناطق به این امپراتوری بوده است (Doğan, 2012: 44). با نزدیک شدن به سالهای آخر امپراتوری عثمانی، نظرات متفاوت تری در جامعه ظاهر شد. گروه های شکل گرفته در خصوص نحوه اداره جامعه، اقتصاد و ... نظرات متفاوتی ارائه می کردند. آنها همچنین درباره زنان و نوع پوشش آنها اظهار نظرات مختلفی داشته اند. "شیخ الاسلام موسی افندی، یکی از رادیکال ترین افرادی بود که در جناح اسلام گرایان قرار داشت. او از بیرون رفتن زنان بدون پوشش چادر و همچنین در کنار یک مرد دیده شدن زنان انتقاد می کرد و خواستار قانونی بود که زنان را ملزم به پوشیدن چادر کند" (Kurnaz, 1992: 92). افرادی که به قوانین اسلام پایبند بودند از این گروه حمایت می کردند و آنچه شیخ الاسلام می گفت را پذیرفته به آن عمل می

کردند. زنانی مانند فاطما علیه خانم در بسیاری از موضوعات با نظرات اسلامگرایان موافق نبودند. اما وقتی صحبت از موضوع پوشش زنان شد، آنها اعتدال بیشتری نشان دادند و معتقد بودند که زنان می توانند هم از سبک ترکی-اسلامی و هم از مد اروپایی در نحوه پوششان استفاده کنند (Karabıyık Barbarosoğlu, 2002: 186). "اولین برخورد با قانون حجاب از سوی عبدالله جودت بود. او از جمله کسانی بود که در راس گروه غربیگرایان قرار داشته است. وی طی سالهای ۱۹۰۸ که اجتهاد را در ژنو متشرمی کرد، یک نظرسنجی بین مسلمانان و افراد برجسته اروپایی در مورد راه حل های پیشرفت مردم مسلمان انجام داد. به این پرسشنامه، یکی از ادبیات گراهای شوخ طبع فرانسوی این گونه پاسخ داد: قرآن را ببند و زنان را باز کن. عبدالله جودت این جمله را با تغییر کوچکی به این شکل بیان کرد: هم قرآن را باز کن و هم زنان را باز کن و این جمله را به عنوان شعار اصلاح خانواده استفاده کرده است. وی از سال ۱۹۰۸ به مبارزه با چادر و نقاب برخوایسته است (Kurnaz, 2013: 61). اسلام گرایان و غربی گراها از جمله گروه های صاحب افکار متفاوت و متضاد با یکدیگر در اواخر حکومت عثمانی ها بودند. هر کدام از این گروه ها خواستار شیوع فرهنگ های مدنظر خود در جامعه بوده اند. روزنامه ها و مجلات نیز در تغییر پوشش زنان تاثیر گذار بودند. از جمله این روزنامه ها می توان به معلومات اشاره کرد. تغییر نوع پوشش زنان و فراموشی عبا و چادر از جمله موضوعاتی بود که در این روزنامه مورد توجه قرار گرفته بود. علاوه بر مد لباس، زنان در این دوره به ظاهر خود نیز توجه کردند (معلومات، ربیع الاول ۱۳۱۴، ۲۴ تموز ۱۳۱۳، عدد ۹۳، ص ۸۸۹). لباس و آرایش های مورد پسند در پاریس و وین مورد توجه روزنامه ها و مجلاتی منتشر شده توسط زنان نیز قرار گرفت (İcimsoy, 2011: 103-4). برخی از زنان با دیدن فرهنگ اروپاییان در نوع پوشش و رفتارهای آنها سعی بر آن داشتند که فرهنگ مشابهی در بین زنان ساکن در حکومت عثمانی ایجاد کنند. عزیزه حیدر خانم نویسنده مجله دنیای زنان با مخالفت با چادر و نقاب خواستار پوشش جدیدی بود که هم مورد قبول دین و هم مناسب برای سلامت باشد. وی با بیان اینکه پوشاندن صورت در اسلام وجود ندارد، چادر متناسب با شرایط آب و هوایی نیست و پوشش زن در مکان هایی که وی سفر کرده است با یکدیگر تفاوت داشته است، بر ضرورت پوشش جدید اشاره کرده است (Doğan, 2012: 44-45). همان طور که عزیزه حیدر خانم نیز به آن اشاره کرده است نوع شرایط آب و هوایی تاثیر زیادی در فرهنگ پوشش داشته است. این موضوع فقط مورد توجه زنان روشنفکر قرار نگرفت. فعالیت روزنامه ها و مجلات در این راستا هر روز بیش از روز قبل می شد و این امر منجر به تغییر در بسیاری از فرهنگ های

موجود در جامعه به ویژه در پوشش زنان شده است. در بعضی از محله ها و بازارها زنانی وجود داشتند که علاقه ای به حجاب نشان نداده و در جامعه بدون پوشش نقاب و چادر ظاهر می شدند.^۱ علاوه بر این، دانش آموزان دختری نیز وجود داشتند که بدون استفاده از نقاب، در میان مردان در ترامواها دیده می شدند.^۲ اسلام گرایان، از زنانی که با رعایت نکردن حجاب در جامعه با لباس های نامناسب دیده می شدند انتقاد کردند. آنها خواستار این بودند که حکومت با این موارد برخورد کند و مانع این زنان گردد.^۳ مخالفان حجاب زنان محدود به برخی از زنان و روزنامه ها نبودند، برخی از کارخانه ها شروع به استفاده از عکس زنان اروپایی برای تبلیغ محصولات خود کردند. برخی از کارخانه ها فراتر رفته و از نام و تصاویر زنان مسلمان برای تبلیغ محصولات خود استفاده کردند. "کبریت شمالی" از جمله این محصولات بود.^۴ اعتراضات اسلام گرایان در این باره منجر به ابلاغیه حکومت شد. از نظر اسلام گرایان، چنین مواردی نشانگر مخالفت با اسلام بوده است.^۵ اسلام گرایان از رایج شدن فرهنگ جدید در بین مسلمانان ناخشنود بوده اند. ولیکن این ناخشنودی نتوانست مانع ورود فرهنگ اروپایی به خاک عثمانی شود. اگرچه موضوع حجاب زنان پس از انقلاب مشروطه تا حدودی به نفع زنان شده بود، اما این بدان معنا نیست که حکومت عثمانی و اسلام گرایان پوشش اروپایی را کاملاً پذیرفته و در سرزمین های عثمانی زنان زیادی با پوشش دلخواه و یا سبک اروپایی اجازه زندگی راحت را داشته باشند. به عنوان مثال، "در بیانیه ای که در سال ۱۹۰۱ صادر شده بود زنان حتی در داخل اتومبیل ها ملزم به رعایت حجاب و زدن نقاب شدند" (Nurefşan Dinç, 2001: 34). علی رغم تاثیر جامعه عثمانی و زنان از اروپاییان هنوز زمان زیادی برای تاثیر سخنان شیخ الاسلام لازم بوده است.

۴. نوع پوشش زنان در حکومت قاجار با استناد به سیاحتنامه ها

نظرات خارجیانی که به هر دلیلی در دوره قاجار در ایران وقت گذراندند از جمله مواردی است که توجه خوانندگان را به خود جلب می کند. این افراد که در دوره قاجار و به ویژه در زمان ناصرالدین شاه در ایران حضور داشتند، اوضاع ایران را مورد وصف قرار داده اند. این افراد به فرهنگ، نحوه زندگی و پوشش زنان ایرانی نیز توجه کرده اند. اوضاع زنان در سال های قبل از حکومت قاجار نیز مورد توجه این سیاحان خارجی قرار گرفته است. سفرنامه ها به حضور زنان در جنگ ها در کنار مردان اشاره کرده اند. کلاویخو از زنانی یاد کرده است که در ارتش تیمورخان دیده شده است. حضور زنان در جنگ به پیروزی در جنگ ها کمک می کرده

است (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۷). توجه این نویسندگان در سال های بعد نیز متوجه زنان گردیده است. از جمله افرادی که مورد توجه قرار گرفتند منتسبان فرقه ای "اهل حق" هستند. ویژگی موجود آنان، عدم مجبوری حجاب برای زنان بوده است. زنان در این فرقه اجازه داشتند بدون نقاب در جامعه حضور پیدا کنند (ناهید، ۱۳۶۰: ۱۰). پولاک یکی دیگر از خارجیانی بود که به عنوان پزشک در دربار ایران مشغول به کار بود. این پزشک از آلمان به ایران آمده بود. وی با دعوت امیرکبیر، به ایران آمده و در دارالفنون به فعالیت پرداخته است. این فرد نقش مهمی در پیشرفت علوم پزشکی در ایران داشت. پولاک در کتاب خود به بررسی اوضاع ایران پرداخته است. وی همچنین در مورد زنان و حرمسرا اطلاعاتی داده است. حرمسرا به معنای مکانی مقدس بوده و ورود مردان به آن ممنوع بوده است. در ایران، زنان باید در خارج از خانه نقاب بزنند و این یک الزام بوده است. اگر زنی در بازار نقابش بیفتد، مردان به او نگاه نمی کنند و این فرصتی برای آن زن است تا بتواند نقاب خود را مجدداً درست کند (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۵۶). حجاب زنان ایرانی در این دوره موضوع دیگری است که توجه خارجی ها را به خود جلب می کند. نحوه لباس پوشیدن زنان ایرانی به گونه ای است که شهامت رفتن به هر جایی را به آن ها می داده است. زنان ایرانی هنگام خروج از خانه چادرهای به رنگ آبی تیره می پوشیدند. این چادر تمام بدن زن را می پوشاند. زنان همچنین برای پوشاندن صورت خود از نقاب استفاده می کردند. این نقاب تمام صورت را می پوشاند، فقط فضایی مستطیل شکل در مقابل چشمان برای دیدن وجود داشت. این سبک پوشش در تابستان کاملاً دشوار بود. هوای گرم باعث می شد زنان در برخی موارد برای خنک شدن نقاب را به بالا بزنند. مردان در این موقعیت از نگاه کردن به زنان پرهیز می کردند. شناختن زنان ایرانی با این سبک پوشش بسیار دشوار بود. زنان ایرانی علاقه زیادی به جواهرات داشتند. زیرا در صورت طلاق، آنها فقط حق داشتند این جواهرات را از خانه شوهرش با خود به همراه ببرند. بنا به همین دلیل پولاک علاقه آنها به جواهرات را با تعجب نگاه نکرده و حتی به آنها حق داده است (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۱۶). فرهنگی که در این زمان بین زنان جامعه مرسوم شده بود جمع آوری اشیاهایی بود که در صورت طلاق می توانستند آن را با خود به همراه ببرند. این موضوع تا حدی آشکار بوده است که اکثر نویسندگان خارجی به آن اشاره کرده اند. نویسندگان خارجی از زوایای مختلف ایران را مورد مطالعه قرار می دادند. به همین دلیل، خواندن کتابهای آنان برای شناختن جامعه ایرانی و فرهنگ های موجود در آن دوران پرفایده بوده است. مادام کارلا سرنا از دیگر نویسندگان خارجی است که اوضاع ایران را بررسی کرده است. وضعیت ایران در سال های ۱۸۷۷ توسط این زن ایتالیایی

ارزیابی شده است. دیدگاه های مختلف وی در مورد زنان ایرانی جالب توجه است. مادام کارلا سرنا همچنین در خصوص پوشش متفاوت زنان در خانه و خارج از خانه اطلاعاتی ارائه داده است. در کنار صحبت از زنان ایرانی، او همچنین در مورد زنان اروپایی اطلاعاتی ارائه داده و این دو جامعه را با یکدیگر مقایسه کرده است. زنان ایرانی در خانه لباس کمتری پوشیده، آرایش بیشتری داشتند. زنان در اروپا در خارج از خانه لباس های باز می پوشند و زنان در ایران فقط در خانه به مانند زنان اروپایی لباس های باز می پوشیدند. سبک لباس زنانه در حرمسرا متفاوت بود. زنان حرمسرا مانند بالرین های اروپایی دامن کوتاه می پوشیدند. زنان ایرانی بیرون خانه، چادرهای به رنگ آبی تیره و شلوارهای قرمز، خاکستری و سبز می پوشیدند. زنان ایرانی فقط در چشمانشان سرمه نمی کشیدند، آنها ابروهای خود را به صورت کمان اصلاح می کردند. آنها نه تنها به خود بلکه به زیبایی خانه هایشان نیز توجه داشتند. به همین دلیل صنایع دستی در خانه آنها وجود داشت. چنین دیدگاه هایی در مورد زنان ایرانی توسط مادام کارلا سرنا ابراز شده است (کارلا سرنا ۱۳۶۲: ۱۵۷). در مورد زنان شاه، زنان شاه به وسیله یک کالسکه از قصر بیرون می رفتند. هنگامی که این کالسکه از سرا خارج می شده است مردان باید از اطراف این کالسکه دور می شدند و نباید به این کالسکه نگاه می کردند و در صورت دیدن کالسکه مجبور به فرار بودند. اگر مردی به این کالسکه نگاه کند مجازات شده و حتی دلیلی بر مرگ او می شده است. این حساسیت بسیار خارج از منطق بوده است زیرا پوشش زنان مانع شناخت آنان بوده است (کارلا سرنا ۱۳۶۲: ۱۱۸). در این زمان برخی از عادات به فرهنگ در بین مردم تبدیل شده بود. عدم نگاه نکردن به زنان با توجه به نوع لباس هایی که می پوشیدند فرهنگ رایج آن زمان بوده است. مادام کارلا سرنا در مورد برخورد خود با زنان ایرانی مطالبی نوشته است. بسیاری از ایرانیان برای دیدن مادام کارلا سرنا بسیار کنجکاو بودند. در بین کسانی که برای دیدن او به خانه کدخدا آمده بودند زنان و کودکان نیز دیده می شدند. مادام کارلا سرنا در مورد زنان ایرانی که نقاب زده و چادر پوشیده بودند صحبت کرده است. این زنان گاهی نقاب های خود را به بالا می زدند و این امر در موقعیت های مختلف دیده شده است. این نویسنده خارجی اظهار داشته که زنان به او پاها و سینه های برهنه خود را نشان داده اند (کارلا سرنا ۱۳۶۲: ۲۶). دیدن زنان خارجی یکی از دلایل تغییر زنان در ایران بوده است. زنان ایرانی با مشاهده تفاوت این زنان با خود، برای تغییر خود تلاش کردند. مادام کارلا سرنا بازارهای ایران را به بالرین های اروپایی تشبیه کرده است. دلیل این شباهت نقاب زدن زنان ایرانی بوده است. زنان ایرانی در بازارها به صورت دو نفره و سه نفره دیده می شدند و مردان

در بازارها در حالی که سوار بر اسب بوده اند توصیف شده اند (کارلاسرنا ۱۳۶۲: ۶۸). بنجامین، اولین سفیر ایالات متحده در ایران، وضعیت ایران را مورد بررسی قرار داده است، او علاوه بر دادن اطلاعات در خصوص فرهنگ ایران به زنان ایرانی نیز اشاره کرده است. بنجامین لباس زنان ایرانی را از منظری کاملاً متفاوت مورد بررسی قرار داده است. زنان ایرانی خودشان استفاده از چادر و روبند را ترجیح می دهند. تا زمانی که چند همسری در ایران وجود داشته باشد، زنان ایرانی این مدل پوشش را ترجیح می دادند تا از دید بد مردان در امان باشند. نحوه لباس پوشیدن زنان ایرانی به گونه ای است که هیچ کس آنها را نمی شناسد. هیچ مردی اجازه نگاه کردن به زنان را ندارد زیرا مجازات این کار مرگ بوده است. اگر زن ایرانی می خواست چهره خود را به کسی نشان دهد، برای چند ثانیه مدت کوتاهی نقابش را بلند می کرده است (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۵۶-۵۷). نوع پوشش زنان فقیر و ثروتمند تفاوت چندانی نداشت. تنها تفاوت آنها در جواهراتی است که آنان استفاده می کنند. زنان ایرانی مجبور به پوشیدن چادر در خارج از خانه هستند. اما آنها در خانه لباس بازاری می پوشیده اند. البته این توسط مردان خارجی دیده نشده است. این نویسندگان مردم مجبور به قبول شنیده هایشان بوده اند. در ایران چند همسری وجود داشت. البته این فقط در میان برخی افراد دیده شده است. شاه، مقامات کشور و ارباب ها از جمله این افراد هستند. باید گفت برخلاف چند همسری در ایران، کسانی که با دختران شاه ازدواج می کردند حق ازدواج مجدد نداشته اند. در یکی از این ازدواج ها، عصمت الدوله دختر ناصرالدین شاه با معیر الممالک ازدواج کرد. داماد پس از مدتی به اروپا گریخت. نامه های عصمت الدوله نیز باعث بازگشت این داماد فراری نشده است. فرار برخی از مردان از خانه فقط در این طبقه دیده نشده است و در جامعه ایران آن زمان در سایر طبقات جامعه نیز مشاهده شده است (بنجامین ۱۳۶۳: ۲۶۵-۲۵۹). نوع پوشش در بین قومیت ها و دین های موجود در ایران متفاوت بوده است. بنجامین از تفاوت بین ارمنی ها، زرتشتی ها و ... یاد کرده است. زنان در ایران در بسیاری از مکان ها به صورت گروهی رفت و آمد می کردند. یکی از مراسمی که زنان به صورت گروهی در آن دیده می شدند تعزیه بوده است. در چنین گروهایی موضوعات مختلف، بهانه ای برای دعوا و بحث می شده است. گاهی زنان برای پیدا کردن جا با یکدیگر دعوا کرده و در این حین نقاب و چادر یکدیگر را می کشیدند. نتیجه این امر افتادن حجاب از سر آن ها بوده است (بنجامین ۱۳۶۳: ۴۴۵). این نویسندگان به علاقه زنان به هنرهای مختلف اشاره کرده اند. زنان ایرانی به گلدوزی، نقاشی و شعر مشهورند. زنان ایرانی بسیار تأثیرگذاراند، اما بسیاری از خارجی ها فکر می کردند زنان ایرانی نادان هستند و توانایی

انجام هیچ کاری را ندارند. برعکس، زنان ایرانی مانند زنان اروپایی بوده اند و در بسیاری از امور تاثیرگذار هستند. از مردان ایرانی نباید ترسید ولیکن از تاثیر زنان ایرانی بر آنها باید وحشت داشت. بنجامین به این جمله اشاره کرده است که زنان در هیچ کشوری به اندازه زنان ایرانی تاثیر گذار نبوده اند (بنجامین ۱۳۶۳: ۱۵۶-۱۵۵). زیرا پس از ازدواج، شوهران به نظرات همسرشان احترام می گذاشتند. اگر آنها می خواستند نقاب زنند یا نقاب های خود را بردارند، فکر نکنید که این کار را نمی توانستند بکنند. آنها به دلیل اعتقاد به اسلام حجاب را دوست داشتند، اگر اینگونه فکر نمی کردند، تغییر شیوه پوشش در جامعه برای آنها ممکن بود. زنان در ایران به پوشش خود به دیده غرور و شان نگاه می کردند و بنابراین با آن مخالفت نمی کردند (بنجامین ۱۳۶۳: ۴۴۵). از دیگر افراد خارجی آشنا به حرمسرا می توان به دکتر فوریه، پزشک مخصوص ناصرالدین شاه اشاره کرد. دکتر فوریه همچنین اطلاعاتی در مورد حرمسرای ناصرالدین شاه ارائه داد. وی به تعداد ۵۰۰ زنی اشاره می کند که در حرمسرای ناصری زندگی می کرده اند. برخی از این زنان به همراه ناصرالدین شاه به شکار می رفتند. زنان در حرمسرا کمتر مرتکب اشتباه می شدند زیرا خواجه ها حرمسرا را کنترل می کردند. لباس زنان در حرمسرا و خارج از آن متفاوت بود. دکتر فوریه به مانند سایر خارجیان در مورد علاقه زنان به لباس و جواهرات بحث کرده است. زنان ساکن در حرمسرا مورد مطالعه این پزشک خارجی قرار گرفته اند. زنان در حرمسرا به چند گروه تقسیم می شدند. زنانی گروه اول هر یک اتاق مخصوص به خود داشتند. بسیاری از خادمان نیز برای آنها کار می کردند. زنانی که به تازگی وارد حرمسرا می شدند در گروه دوم قرار می گرفتند. تا زمانی که آداب و سنت های مربوط به حرمسرا را یاد نگرفته اند با زنان دیگر به صورت مشترک زندگی می کردند. بسته به گروهی که در آن قرار داشتند حقوق دریافت می کردند. لباس زنانه بسیار ساده بود. آنها جلیقه ای به تن داشتند که زیر آن پیراهن کوتاه به تن می کردند. روسری های سنتی و جوراب های سفید می پوشیدند. طرز لباس پوشیدن زنان پیر و جوان شبیه به هم بوده است (فوریه ۱۳۸۵: ۱۱۸). در حرمسرای شاه دو زن خارجی نیز وجود داشت. یکی از آنها یک زن فرانسوی الاصل سوئیسی بود. این زن پرستار بچه های منشی سفیر ایران در ونیز بود. به این ترتیب با کشور ایران آشنا شده و بعداً به ایران آمد. در آن زمان از زندگی کردن در ایران پشیمان شده بود. زن خارجی دیگری که در حرمسرا زندگی می کرد یک زن فرانسوی بود. برخلاف زنی که ذکر شد، او از زندگی در حرمسرا بسیار راضی بود. این زن مانند زنان ایرانی زندگی می کرد. به گفته دکتر فوریه، وقتی این زن از حرمسرا بیرون می رفت، مانند زنان ایرانی چادر پوشیده و روبند می زده

است (فوریه ۱۳۸۵: ۱۳۵). در این دوره، خارجی‌های مقیم ایران سنت‌ها و روزه‌های مهم موجود در کشورشان به مانند تولد ملکه انگلیس را تجلیل می‌کردند. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار داد این بود که زنان حرمسرا می‌توانستند توسط پزشکان مرد معالجه شوند. برخلاف قانون‌های موجود این موضوع با دیدگاهی متعصبانه مشاهده نمی‌شد (فوریه ۱۳۸۵: ۱۴۸). مکانی که مورد توجه این پزشک اروپایی قرار گرفته بود و زنان می‌توانستند در آن حضور داشته باشند به تکیه دولت معروف بوده است. این مکان از چندین در و سه طبقه تشکیل شده بود. دیوارهایش با کاشی تزئین شده بودند و چندین لوستر از سقف آویزان بود. در طبقه پایین محلی برای اجرای تعزیه وجود دارد. محلی نیز برای زنان و کودکان در نظر گرفته شده بود. دکتر فوریه از دروازه گلستان وارد تکیه دولت شده بود. دکتر فوریه این ساختمان را به سیرک تشبیه کرده است (فوریه ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۰۸). کلود آنه از دیگر اروپایی‌هایی است که به ایران آمده است. کلود آنه، اوضاع ایران را مورد بررسی قرار داده و در خصوص زنان و مردان اطلاعاتی داده است. وی توجه خود را به تفاوت سبک لباس پوشیدن زنان در خانه و خارج از خانه جلب کرده است. زنان و مردان در یک مکان جمع نمی‌شدند. زنانی که فقط اجازه حضور در جلسات مردان را داشتند، رقااص‌های فاحشه بودند (کلود آنه ۱۳۶۸: ۲۲). کلود آنه در ایران شاهد یک عروسی بوده است. زنان و مردان در این عروسی به طور جداگانه شرکت می‌کردند. بخشی زنان بسیار کسل‌کننده بود. قسمت مردان با وجود رقااص‌های فاحشه نیز جالب نبوده است (کلود آنه ۱۳۶۸: ۱۳). زنان ایران در این زمان به صورت آزاد زندگی نمی‌کردند زندگی آنها بسیار تحت تاثیر سنت‌ها و دین قرار داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

نحوه پوشش زنان در حکومت عثمانی و حکومت قاجار مورد بررسی قرار گرفت. در هر دو حکومت احکام و آداب اسلامی-عربی خواسته و ناخواسته مورد توجه قرار گرفته است. این آداب و احکام فقط در نحوه حکومتداری دیده نشده است بلکه به اسلام توسط این حکومت‌ها سبب گردیده بود که در موضوعات جزئی نیز به این احکام رجوع شود. از جمله مواردی که تحت تاثیر احکام و آداب اسلامی-عربی قرار گرفته بود نوع پوشش به سبک آن جغرافیا و فرهنگ بوده است. زنان در این خصوص بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته بودند. تصویری که از حجاب اسلامی در جامعه‌ها موجود بوده است پوشش کامل زنان بوده است تا جایی که زنان فقط برای دیدن راهشان از مستطیلی که روی روپند وجود داشته است استفاده می‌کردند. زنان

در هر دو حکومت از چادر و نقاب استفاده می کردند. نکته ای که باید به آن توجه نشان داد وجود حرمسرا در هر دو حکومت بوده است. زنان در حرمسرا از جمله اولین افرادی بودند که از مدهای اروپایی استفاده کردند. سفر اروپاییان به این دو حکومت و همچنین سفر سلطان های عثمانی و پادشاهان قاجار به اروپا سبب گردید که لباس های متفاوتی وارد حرم شود. پوشش کفتان در بین زنان موجود در حرمسرای عثمانی و همچنین دامن های کوتاه و چین چین در بین زنان حرم شاهان قاجار از جمله مواردی است که می شود به آن اشاره کرد. نزدیک بودن حکومت عثمانی به اروپا سبب تاثیرپذیری بیشتر این حکومت و افراد ساکن در آن، از مد و سبک های اروپایی شده بود. این امر همچنان باعث گردید که زنان در عثمانی بیشتر از زنان ایران به تغییر نوع پوششان توجه نشان دهند. از این رو در اواخر سال های حکومت عثمانی بخصوص ۱۹۰۱ به بعد زنانی با لباس های باز و عدم زدن روبند در جامعه دیده شده اند. زنان در ایران بسته به جغرافیا و یا فرهنگی که در آن زندگی می کردند به دو گروه تقسیم می شدند در برخی از گروه ها مانند زنان اهل حق نقاب زدن رایج نبوده است. ولی توجه به این موضوع لازم است که وجود افکار متعصبانه باعث گردیده بود که زنان در ایران حق انتخاب نوع پوشش را تا سال های بعد نداشته باشند. سفر اروپاییان به ایران، انتشار روزنامه ها از جمله مواردی بودند که زنان ایرانی را از تغییرات موجود در جهان باخبر می کرد و همین امر نیز باعث تغییر تدریجی آنها می گردیده است. بسیاری از عادات موجود در این دو حکومت به فرهنگ خاص آنها تبدیل شده بود. مثلاً در ایران زنان در خارج از خانه موظف به رعایت پوشش بودند و همین زنان در خانه لباس های بازتری می پوشیده اند. در عثمانی نیز توجه به سبک لباس های اروپایی تا جایی پیش رفت که لباس های سفید عروس در بین ترکان عثمانی نیز مورد رغبت قرار گرفت. پس باید به این نکته اشاره کرد که اگرچه هر دو حکومت فرهنگ خاص خود در پوشش و دیگر موارد را داشته اند ولیکن هر دو حکومت از فرهنگ های دیگر حکومت و دین ها تاثیر پذیرفته اند. حکومت عثمانی و قاجار نیز بنا به نزدیک بودن از بعد جغرافیایی و فرهنگ های مشترکی که با پذیرش اسلام مورد توجه آنها قرار گرفته بود شباهت های زیادی با یکدیگر داشته اند.

مندرج در پیوست ها

۱. سند 13 DH. EUM. THR. 00006- 00011- 003. 1327 N

زنانی که با حجاب مقابله کردند. پیوست شماره یک

مقایسه نوع پوشش زنان در حکومت عثمانی ... (سمانه عسگری) ۱۳۱

MF. MKT. OO992- 00018- 001- 001. 325 RA 08 ۲

دخترانی که حجاب را رعایت نمی کردند. پیوست شماره دو

İ. ZB. 00003- 00015- 001- 001. 1317 Ra 18 ۳

ابلاغیه در خصوص زنانی که حجاب را رعایت نمی کردند. پیوست شماره سه

DH. MKT. 02094- 00001- 001- 001. 1316 R 04 ۴

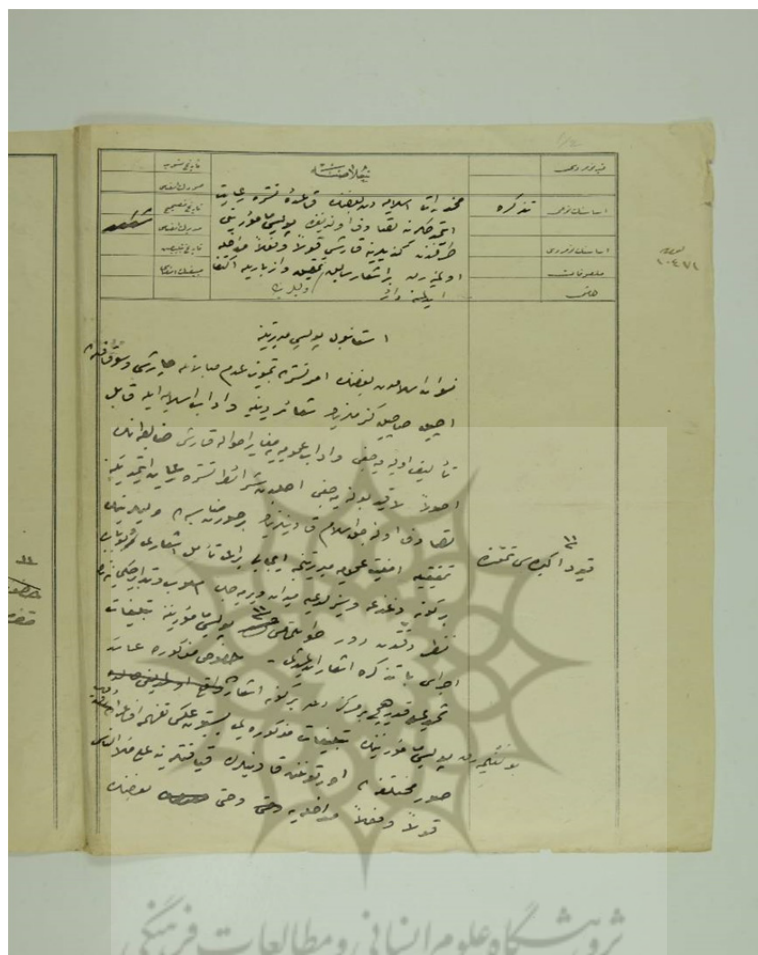
تصویر روی جلد کبریت شمالی، پیوست شماره چهار

DH. MUİ. 00121- 00015- 002- 001.1328 Ş 08 ۵

اسلام گراهایی در مقابله با زنانی که حجاب را رعایت نمی کردند پیوست شماره پنج

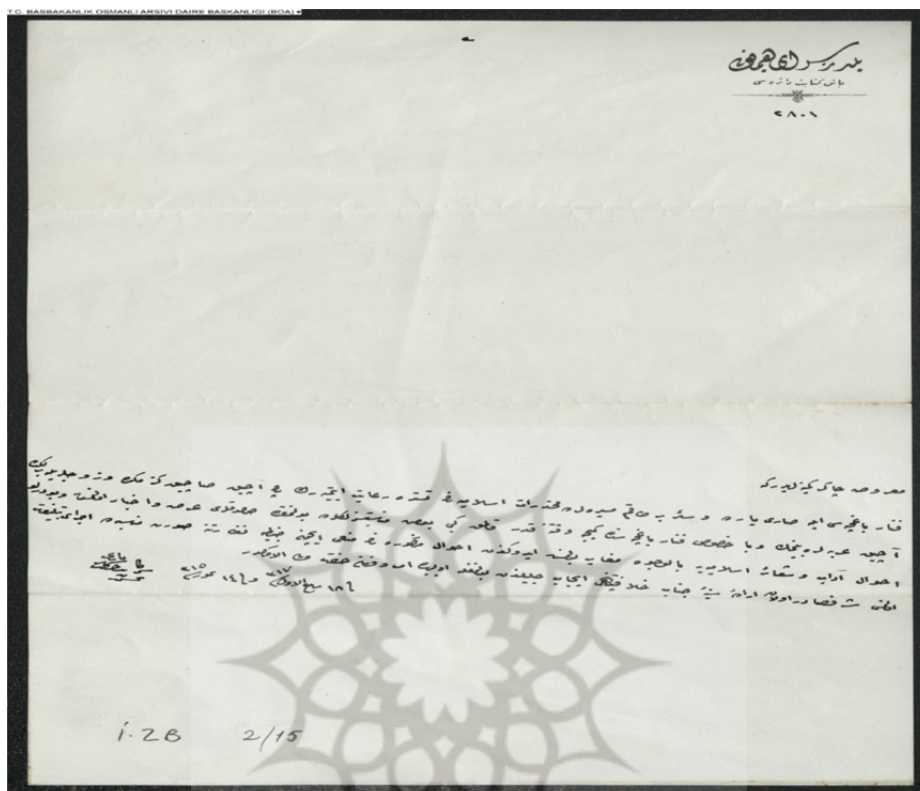


پیوست شماره یک: زنانی که با حجاب مقابله کردند.



در بعضی از بازارها تعدادی از زنان بدون رعایت حجاب به گشت و گذار می پرداختند، پلیس ها به آن ها اخطار نداده و این وظیفه را به عهده خانواده های این زنان قرار دادند.

پیوست شماره سه؛ ابلاغیه در خصوص زنانی که حجاب را رعایت نمی کردند.

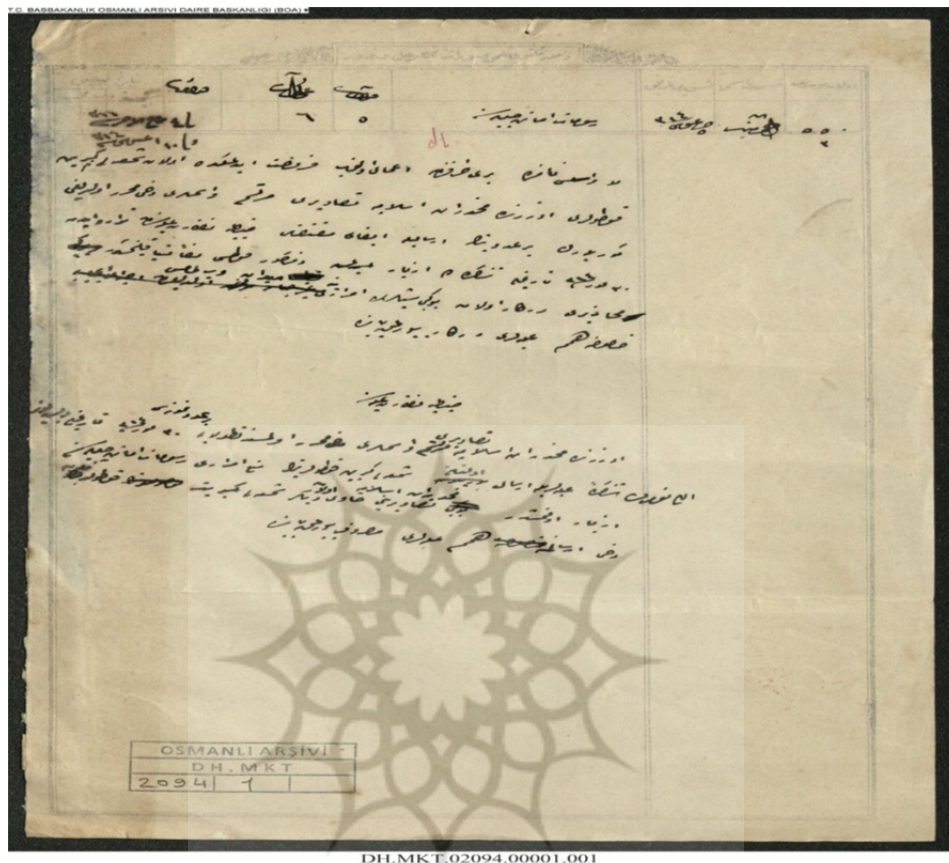


برخی از زنان در کنار شوهرانشان در ماشین ها حجاب را رعایت نکرده و تا ساعت دیر شب در منطقه فرباغچه به گشت و گذار می پردازند. اسلام گرایان از پلیس برای برخورد با آنها کمک خواسته است و خواستار دادن ابلاغیه شده اند.

I. ZB. 00003- 00015- 001- 001. 1317 Ra 18

مقایسه نوع پوشش زنان در حکومت عثمانی ... (سمانه عسگری) ۱۳۵

پیوست شماره چهار؛ تصویر روی جلد کبریت شمالی



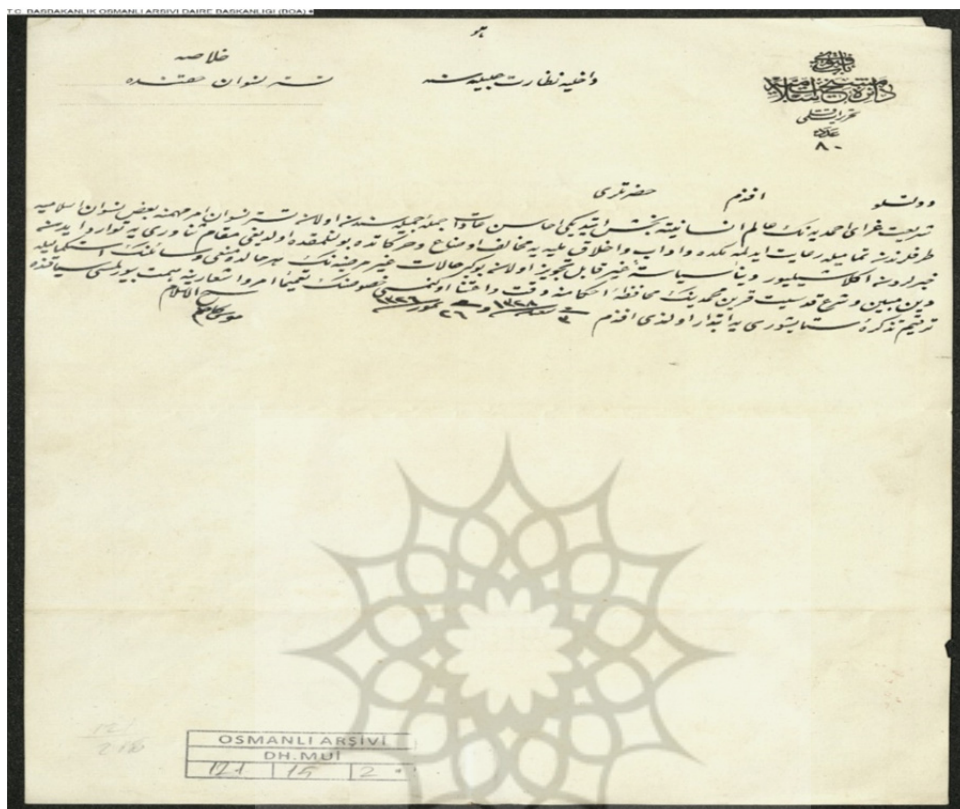
DH.MKT.02094.00001.001

در روی جلد کبریت شمالی تصویر زن مسلمان با حجاب اسلامی دیده شده است که در این خصوص و عدم تولید آن اخطار داده شده است.

DH. MKT. 02094- 00001- 001- 001. 1316 R 04

پرتال جامع علوم انسانی

پیوست شماره پنج: اسلام گراهایی در مقابله با زنانی که حجاب را رعایت نمی کردند.



اسلام گراها از رعایت نکردن حجاب توسط زنانی که در مملکت اسلامی ساکن هستند ناخرسند بوده اند و خواستار مقابله با آنها شده اند.

DH. MUI. 00121- 00015- 002- 001.1328 § 08

کتابنامه

بنجامین، ساموئل گرین ویلر (۱۳۶۳)، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، رحیم رضازاده ملک، تهران: گلبانگ.

پناهی، فرشته (۱۳۸۱)، *زن ایرانی در سفرنامه ها*، تهران: انتشارات جاجرمی.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه: کیکاووس جهانگیری، تهران: انتشارات خوارزمی.

فوریه، ژوانس (۱۳۸۵)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه: عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.

مقایسه نوع پوشش زنان در حکومت عثمانی ... (سمانه عسگری) ۱۳۷

کلود آنه (۱۳۶۸)، *خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت*، ترجمه: ایرج پروشانی، تهران: معین.
مادام کارلاسرنا (۱۳۶۲)، *آدمها و آیینها در ایران*، مترجم: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
ناهید، عبد الحسین (۱۳۶۰)، *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز: احیا.

Abalı, Nurullah (2009), *Kıllık Kıyafet*, İstanbul: İlke yayıncılık.

Asgari, Samaneh (2020), *Iran ve Türkiye modernleşmesinde kadın Hareketi (1830- 1965)* (Doktora tezi), İzmir: Dokuz Eylül üniversitesi.

Doğan, Sabiha (2012), *Tanzimat'tan Cumhuriyet'e Aydın Kadınlar, Şair ve Yazarlar (1850-1950)*, İstanbul: Akademikkitaplar.

İcimsoy, A. Oğuz (2011), *Aile (1880) Ve Hanım (1921) (Yeni Harflerle)*, İstanbul: Kadın eserleri kütüphanesi ve Bilgi merkez vakfı.

Karabıyık Barbarosoğlu, Fatma (2002), *Moda ve Zihniyet*, İstanbul: İz yayıncılık.

Kurnaz, Şefika (1992), *Cumhuriyet Öncesinde Türk Kadını (1839-1923)*, İstanbul: Millî Eğitim Bakanlığı.

Kurnaz, Şefika (2013), *Osmanlı Kadının Yükselişi (1908-1918)*, İstanbul: Ötüken Neşriyat.

Nurefşan Dinç, Emine (2001), *Son Dönem Osmanlı Aydınlarının Kadınının Toplumsal Hak ve Hürriyetlerine Bakışları* (Yüksek lisans tezi), İstanbul: Marmara üniversitesi.

Toprak, Zafer (2014), *Türkiye'de Kadın Özgürlüğü ve Feminizm (1908-1935)*, İstanbul: Tarih Vakfı Yurt Yayınları.

روزنامه؛

معلومات، ربیع الاول ۱۳۱۴، ۲۴ تموز ۱۳۱۳، عدد ۹۳.

اسناد تاریخی؛

سازمان اسناد ریاست جمهوری دولت ترکیه، استانبول

DH. EUM. THR. 00006- 00011- 003. 1327 N 13.

DH. MKT. 02094- 00001- 001- 001. 1316 R 04.

DH. MUİ. 00121- 00015- 002- 001.1328 Ş 08.

İ. ZB. 00003- 00015- 001- 001. 1317 Ra 18.

MF. MKT. OO992- 00018- 001- 001. 325 RA 08.